



فصلنامه علمی - تخصصی

نگاه معاصر

در عرصه سیاست خارجی و روابط بین الملل

ویژه یک صدمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۲

سال اول

بهار ۱۳۹۸

شماره

۳

شناسنامه

صاحب امتیاز:

بنیاد اندیشه

مدیر مسئول:

محمد قاسم عرفانی

معاون مدیر مسئول:

مهدی عارفی

سر دبیر:

غلام سخی احسانی

هیأت تحریریه:

(به ترتیب الفبا)

اسدالله امیری، داکتر تیمور شاران، داکتر زکیه عادل،

داکتر فرامرز تمنا، داکتر ذاکر حسین ارشاد،

داکتر سردار محمد رحیمی، سید آصف حسینی،

داکتر محمد اکرم عارفی، داکتر محمد شفق خواتی،

محمد هدایت، داکتر موسی جعفری،

داکتر محمد حسین خلوصی،

داکتر محمد قاسم وفايي زاده، داکتر ناصر علی رحمانی

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

ویراستار: محمد قاسم الیاسی تُرگانی

طراح جلد: هادی مروج

صفحه آرا: علی جمعه محمدی

ترجمه چکیده‌ها به زبان انگلیسی: محمد سخی

رضایی و حسین احمدی

فصلنامه نگاه معاصر در ویرایش مطالب آزاد است. نظرات طرح شده در مقالات الزاماً دیدگاه فصلنامه نگاه معاصر نیست. تمام حقوق مادی و معنوی فصلنامه اندیشه معاصر برای بنیاد اندیشه محفوظ است. استفاده از مطالب فصلنامه نگاه معاصر فقط با ذکر منبع مجاز است.

قیمت: ۲۰۰ افغانی



معضله و مشکله «جامعه قوی» باج‌گیر چالش‌گر حکومت مرکزی را با باززایش و توان‌افزایی دگرباره همراه کرد.

نکته پایانی این‌که در سرزمین افغانستان مسائل مختلف همواره مورد واکنش و تحلیل و تفسیر احساسی قرار داشته‌اند که در جمله و از زمره آنان، مسأله استقلال و بازیابی آن توسط امان‌الله است که فارغ از این‌که این مسأله چگونه پروژه مهم‌تر و بنیادی‌تر او که ریشه‌کنی جامعه قوی باج‌گیر بود را به چالش کشاند و با نابودی مواجه کرد، مورد تجلیل قرار گرفته است. فارغ از این‌که از منظری تئوریک و مفهومی، اساساً و اصولاً مسأله استقلال و حاکمیت و مشخصاً تصمیم‌گیری و حکومت‌داری مستقلانه را نه تنها در دوران موسوم به جهانی‌شدن که از بدو تأسیس نظام وستفالیایی می‌توان زیر سؤال برد و به چالش کشاند. مقاله‌های این شماره که در قالب ویژه‌نامه صدسالگی استرداد استقلال افغانستان تهیه شده، در پی نقد و بررسی ابعاد مختلف مسأله استقلال از منظر حقوقی، سیاسی، مفهومی و تئوریک و نیز در پی کنکاش جنبه‌های مختلف اقدامات امان‌الله از یک‌سو و پی‌آمدهای این اقدام وی از سوی دیگر هستند که توسط نویسندگان مختلف کشور به نگارش درآمده‌اند. به امید این‌که ویژه‌نامه‌هایی چون این شماره نگاه معاصر باب تحلیل و واکاوی عقلانی و غیراحساسی مسائل کشور و جامعه افغانستان را بگشاید.

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات جهت انتشار در فصلنامه نگاه معاصر

الف) شرایط عمومی مقالات

۱. مقالات ارسالی باید تحقیقی - تحلیلی بوده و دارای ساختار منطقی، انسجام محتوایی، روش‌مند، مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا نگارش یافته باشند.
۲. مقالات ارسالی حتی‌الامکان تایپ شده و به اداره فصلنامه بنیاد اندیشه ارسال شود و یا فایل آن از طریق پست الکترونیکی به نشانی اینترنتی مجله اندیشه ایمیل گردد.
۳. حجم مقالات حداقل در ۳۰۰۰ کلمه و حد اکثر در ۸۰۰۰ کلمه تنظیم شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و تخلص، رتبه علمی، تحصیلات، ایمیل و شماره تلفون تماس همراه با مقاله ارسال شود. مقالات کتابخانه‌ای دارای یک نویسنده و مقالات تحربی یا ساحوی می‌تواند بیشتر از یک نویسنده داشته باشد.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی، خارجی، سایت و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند.
۶. با مقالات ترجمه شده، اصل آن نیز ضمیمه شود.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید دارای ساختار علمی باشند؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده یا نویسندگان، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، قسمت اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله حداکثر ۱۵۰-۱۷۰ کلمه تنظیم گردد. چکیده باید به اختصار شامل: بیان مسأله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خود داری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاگر نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: مقدمه مقاله به بیان مسأله تحقیق، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، اهداف، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی از ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی طرح و مفاهیم اصطلاحات اساسی مقاله اختصاص می‌یابد.
 ۴. قسمت اصلی مقاله: چارچوب نظری یا مفهومی، روش تحقیق، مواد شامل شواهد، مدارک، استدلال، تحلیل و نقد و بررسی.
 ۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود و از ذکر بیان مسأله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، چارچوب نظری، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
- ع. نحوه ارجاع دهی

درون متنی: (تخلص، سال انتشار: شماره صفحه) برای مثال: (رضایی، ۱۳۹۳: ۱۲۳)

ج) فهرست منابع

۱. کتاب: تخلص، نام (سال انتشار)، عنوان اثر، نام و تخلص مترجم، محل نشر: ناشر.
۲. مجله: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام و تخلص مترجم، نام مجله، سال انتشار، (شماره مجله): صفحات مقاله.
۳. سایت اینترنتی: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان یاداشت»، نام سایت، (آخرین مشاهده در ۱۳۹۷/۳/۲۱)، قابل مشاهده در لینک ذیل:

- «الگوی ایجابی» اصلاحات و استقلال امانی (سرمقاله) / مهدی عارفی / ۵
- روش‌های دیپلماسی امان‌الله در دست‌یابی به استقلال / دکتر اکرم عارفی / ۱۱
- تأثیرات گفتمان کمالیسم بر اصلاحات و مدرنیسم امانی / محمدحنیف طاهری / ۲۹
- جایگاه پان‌اسلامیسم در سیاست خارجی شاه امان‌الله / دکتر فاروق انصاری / ۵۱
- تعهد و شکست شاه امان‌الله خان در برنامه‌نوسازی افغانستان / آندره چوا / سیدآصف حسینی / ۶۳
- استعمار، استقلال‌خواهی و فرایند دولت - ملت‌سازی در افغانستان / دکتر منصور احسان / ۸۳
- دگردیسی مفهوم «استقلال» در تاریخ سیاسی افغانستان معاصر / امان‌الله شفایی / ۹۷
- امکان و چالش‌های استقلال سیاسی در وضعیت جهانی شدن / محمداسماعیل عمار / ۱۱۹
- استقلال آرمان‌گرایانه و فروپاشی عمل‌گرایانه / دکتر محمدحسین خلوصی / ۱۴۱
- مؤلفه‌های استقلال در حقوق بین‌الملل با تأکید بر استرداد استقلال افغانستان / محمدعوض اعتمادی / ۱۶۵
- چکیده انگلیسی / ۱۸۴

«الگوی ایجابی» اصلاحات و استقلال امانی

مهدی عارفی^۱

دوران حاکمیت امان‌الله خان با وجود آن‌که در مقایسه با برخی حاکمان دیگر تاریخ افغانستان، دوره‌ای نه‌چندان طولانی بوده، اما به‌سان نقطه‌ی عطفی به‌شدت تأثیرگذار بر تحولات و رخ‌دادهای دوره‌های پسین خود عمل کرده است. در واقع دوران امان‌الله خان در کنار دوران احمدشاه ابدالی که از منظر پایه‌گذاری افغانستان جدید و دوران عبدالرحمن که از منظر پایه‌گذاری حکومت مرکزی مسلط و مقتدر دارای اهمیت و تأثیرگذاری بوده‌اند، یکی از سه دوره مهم و تأثیرگذار تاریخ افغانستان بوده است. اهمیت این دوره نیز ناشی از دو موضوع بوده که یکی اصلاحات اجتماعی امانی و دیگری بازیابی و استرداد استقلال کشور در عرصه مدیریت مسائل خارجی کشور بوده است. در مورد اصلاحات امان‌الله خان گفته‌های زیادی مطرح شده و از زوایای مختلفی به بررسی این مسأله پرداخته شده است. نکته بسیار مهم در خصوص اصلاحات امانی، یکی هدف و غایت امان‌الله خان از این برنامه یا پروژه و دوم نوع رویکرد و عملکردش در قبال آن بوده است. هدف و غایت امان‌الله خان از پروژه اصلاحی‌اش را می‌توان مبارزه با پدیده و چالش «جامعه قوی چالش‌گر حکومت مرکزی» و رویکردش در قبال آن را رویکرد یا «الگوی ایجابی اصلاحات» نامیدش.

جامعه افغانستان در طول تاریخ پر از فراز و نشیب خویش از یک معضل بنیادی رنج برده است که همانا «حکومت‌داری ناکام» بوده است. در واقع از یک سو از منظر سرزمینی و وسعت و گستره اعمال حاکمیت حکومت‌های افغانستان در دوره‌های مختلف، اقتدار حاکمان محدود



به مرکز سیاسی کشور بوده و مناطق و ولایت‌های مختلف دارای حاکمان محلی بوده است که گاهی مطیع حکومت مرکزی و گاهی نیز معارض حکومت مرکزی بوده‌اند و از سوی دیگر، حداقلی‌ترین کارویژه و وظیفه حکومت که تأمین امنیت است، توسط اغلب حکومت‌های مختلف تاریخ افغانستان از ۱۷۴۷ تا کنون انجام نمی‌شده است. در مقام ریشه‌یابی و تبیین می‌توان از عامل «جامعه قوی» به‌مثابه اصلی‌ترین علت شکل‌گیری پدیده «حکومت ضعیف» یاد کرد. مسأله «جامعه قوی» یکی از مسائل مهم در اندیشه سیاسی و تفکر اجتماعی است که در مکاتب مختلف سیاسی و اجتماعی مورد تفقد و ایده‌پردازی قرار گرفته است. سرآمد مکاتب مختلف اندیشه‌ای که در تلاش برای اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی پیرامون مسأله «جامعه قوی» بوده‌اند، مکتب «لیبرالیسم» است که به شدت در پی «حکومت حداقلی» است و سرسختانه مخالف و منتقد حکومت‌های گسترده و قدرتمند و حداکثری است. حال تفاوت در این است که در مکاتب فکری مختلف و از جمله در لیبرالیسم وقتی سخن از «جامعه قوی» گفته می‌شود، جامعه‌ای مورد نظر است که در پی نظارت بر اقدامات و سیاست‌های حکومت و جلوگیری از سوء استفاده حکومت از قدرت است، اما زمانی که در کشور افغانستان سخن از «جامعه قوی» زده می‌شود، جامعه‌ای را تصویر می‌کنیم که از جزیره‌های مختلف مردمی تشکیل شده که در رأس هر یک از آن‌ها یک خان و کلان متنفذ قومی، قبیله‌ای و منطقه‌ای قرار گرفته است که با حمایتی که از مردم کسب می‌کند، اقدام به دریافت باج از حکومت و سهم خویش از قدرت و ثروت در حال توزیع در کشور می‌کند.

در دوره‌های مختلف تاریخ افغانستان این پدیده و وضعیت قابل مشاهده است و تفاوت در این است که در برخی دوره‌ها شدت ضعف و ناکامی و ناکارآمدی حکومت فزونی و شدت می‌یافته و در برخی دوره‌های دیگر دچار کاهش می‌شده است. از سوی دیگر، نکته مهم این‌که برخی حاکمان کشور با درک دقیق از معضلات و مشکلات فراروی حاکمیت‌شان و شناسایی مسأله «جامعه قوی» تلاش و اقدام به تغییر شرایط و برعکس نمودن معادله به سود حکومت می‌کردند. از حاکمان و حکومت‌دارانی که حل و فصل معضل «جامعه قوی» و حکومت ضعیف را در اولویت اقدامات و سیاست‌های خویش قرار داده بودند، دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها عبدالرحمن خان و امان‌الله خان بوده‌اند. در سال‌های اخیر از اشرف غنی نیز می‌توان به سان فردی یاد کرد که در مقام متصدی حکومت افغانستان در صدد حل و فصل این معضل و چالش

بنیادی تاریخ افغانستان بوده است. عبدالرحمن خان با سیاست «مشت آهنین» و سرکوب شدید و گسترده اقدام به تضعیف جامعه کرد و امان الله خان با سیاست‌ها و اقدامات اصلاحی خویش رویکرد نرم را در دستور کار قرار داده بود. اقدامات و سیاست‌های عبدالرحمن خان را می‌توان در قالب مفهوم «الگوی سلبی» تغییر جامعه و برنامه‌های امان الله خان را در قالب مفهوم «الگوی ایجابی» اصلاح جامعه مورد بررسی قرار داد. در واقع می‌توان گفت رویکرد امان الله خان یک رویکرد ایجابی اصلاحی بوده و به جای برخورد سرکوب‌گرانه نظامی و تغییر از بالا (شاخصه‌ها و ابعاد اقدامات عبدالرحمن خان) از برخورد فرهنگی و اقدام به اصلاح از پایین (از درون و بطن جامعه) کرده بود.

الگوی عبدالرحمان در مقابله با جامعه قوی که می‌توان آن را الگوی سلبی اصلاحات دانست، دارای عناصر و شاخصه‌هایی از جمله موارد ذیل بوده است:

- برخورد نظامی و سرکوب‌گرایانه؛ که در قبال گروه‌های مختلف تباری و مذهبی حتی در قبال برخی قبایل پشتون از شدت عمل بی‌سابقه‌ای کار می‌گرفته که باعث ایجاد نوعی نفرت تاریخی در میان آن‌ها نسبت به این حاکم مقتدر افغانستان شده است. در میان موارد مختلف چنان‌که تاریخ‌نگاران نگاشته‌اند، شدیدترین برخوردها و سرکوب‌های عبدالرحمن در قبال تبار هزاره بوده است. تأسیس ۱۳۹۴

- برخورد آمرانه از بالا (از سطح دولت در قبال جامعه)؛ عبدالرحمن خان از جمله حاکمانی است که یا دانسته، آگاهانه و عامدانه یا نادانسته و غیرعامدانه مبتنی بر سیاست «مشت آهنین» عمل می‌کرد و این مسأله را می‌توان بیش‌تر از آن‌که ناظر بر و ناشی از مشی، مرام و رویکرد وی دانست، ناشی از شرایط موجود در کشور و منطقه و نیز اهدافی که وی تعقیب می‌کرد دانست.

- هویت‌سازی ملی بر اساس ارزش‌های قومی؛ در تاریخ افغانستان یکی از معضلات اساسی که فراروی ثبات، امنیت و تکوین هویت ملی به عنوان یک عامل شدیداً اثرگذار عمل کرده است، مسأله برتری‌گرایی قومی حکومت و تلاش برای تسری ارزش‌های قومی و عناصر هویتی قومی به ارزش‌های عمومی و هویت ملی بوده است. در مقابل و از سوی سایر گروه‌های قومی و تباری سرزمین افغانستان این مسأله نه تنها پذیرفته نشده و آن‌ها حاضر به پذیرش، عمل و رعایت به ارزش‌ها و هنجارهای گروه قومی



حاکم نبوده‌اند، بلکه بر اساس این ذهنیت که مردمانی با پیشینه قدیمی‌تر و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و تمدنی غنی‌تر هستند، حکومت پشتون‌ها را به‌سان امری موقتی و پایان‌یابنده تلقی کرده و در انتظار آن روز مانده‌اند که بار دیگر اداره این سرزمین را چونان گذشته‌ها در اختیار خویش بگیرند و به حاکمیت مردمانی که صرفاً بر اساس قدرت عریان و نیز توان اقتصادی بر سریر حکومت نشست‌اند و فاقد توان فرهنگی مشروعیت‌دهنده به حکومت خویش هستند پایان دهند. از سوی دیگر، مسأله مشروعیت به‌سان امری الزامی برای بقاء و دوام هر حکومتی، باعث تلاش حکومت‌های مختلف تاریخ افغانستان شده تا ضمن قدرت سیاسی و نظامی، از نظر تسری و تسلط فرهنگی خویش بر گروه‌های مختلف جامعه آن‌ها را به پذیرش و اطاعت خویش وادارند. عبدالرحمن نیز از جمله حاکمانی بوده است که در صدد قبض و انحطاط فرهنگی سایر اقوام و بسط و گشایش فرهنگ و ارزش‌های پشتونی بر سایر اقوام و تبارهای افغانستان بوده است. این مسأله که واکنش سایرین را در پی داشته، یکی از عوامل عدم تکوین هویت ملی و در نتیجه پی‌آمدها و تبعات سیاسی و امنیتی بعدی در افغانستان بوده است.

در مقابل الگوی امان‌الله در مقابله با جامعه قوی که باید آن را الگوی ایجابی اصلاحات دانست، از شاخصه‌هایی چون این موارد برخوردار بوده است:

- برخوردار فرهنگی و نرم (غیرنظامی‌گری)؛ امان‌الله خان به‌جای سرکوب و اقدامات نظامی، باور به تغییر نگرش و فرهنگ افراد و شهروندان جامعه داشت و نقطه آغاز و عزیمت هر تحولی را در تغییر ذهنیت و ارزش‌های آنان می‌دانست. از همین رو بود که اقدامات و سیاست‌های فرهنگی خود را در ابعاد و زمینه‌های مختلف از جمله گسترش معارف و تحصیلات که در محور اصلاحات او جای داشت، آغاز کرد.

- برخوردار اصلاحی از پائین (از سطح جامعه در قبال جامعه و حکومت)؛ اصلاحات امانی، جدا از سایر ویژگی‌هایش، این ویژگی را نیز داشت که به جای اصلاحات آمرانه و تغییرات دستوری از جانب حکومت که احتمال کم‌تری از موفقیت را با خود دارد، تلاش برای تغییر و اصلاح افراد و جامعه از درون و بطن جامعه داشت. در این حالت، جامعه اصلاح‌شده نه تنها خود مراقب اصلاحات رخ داده در سطح جامعه است و از آن



مراقبت و پاسداری می‌کند بلکه دیگر اجازه نمی‌دهد که حکومت مشی خود را تغییر دهد یا اصلاحات را به گونه‌ی خویش و بر اساس تفسیر و تعریف خود از منافع جهت دهد. اقدام حکومتی می‌تواند به‌سان هدیه و پیش‌کشی باشد به شهروندان و جامعه، و هر گاه که خواست، پس بگیرد یا تغییر دهد. در مقابل اصلاح جامعه‌ای به‌سان پروژه‌ای کوتاه‌مدت عمل نخواهد کرد و تبدیل به بخشی از هویت جامعه خواهد شد. ضمن این‌که در برخورد با هر اقدام و سیاست حکومت، جامعه می‌تواند موضعی تقابلی جویانه گرفته و آن را واپس‌بزند به‌خصوص اگر حکومت و حاکم از مشروعیتی نزد جامعه و شهروندان برخوردار نباشد؛ اما زمانی که یک برنامه یا اقدام خصلت و برچسب غیرحکومتی/جامعه‌ای/مردمی می‌خورد، مردم نسبت به آن همراهی نشان داده و میزان موفقیت آن برنامه افزایش خواهد یافت.

- گذار از ناسیونالیسم قومی-قبیله‌ای به جامعه‌متکثر ملی؛ در مقابل عبدالرحمن و برخی دیگر از حاکمان افغانستان که هویت ملی را به هویت قومی یک تبار خاص فروکاسته بودند، امان‌الله رویکرد و عملکرد متفاوت و بازتری نسبت به این مسأله داشت. از جمله نشانه‌های این مسأله این است که هیچ سخنی، مکتوب یا غیرمکتوب از امان‌الله وجود ندارد که با زبان غیرپارسی باشد.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

با این وجود و به‌رغم این‌که اقدامات و برنامه‌های امان‌الله معطوف به مسأله و مشکله «جامعه قوی» و بر اساس رویکرد یا الگوی ایجابی اصلاحات بود، اقدام دیگر وی، که همانا بازیابی یا استرداد استقلال افغانستان بود، از آن‌جا که با دشمنی انگلیسی‌ها با وی و اصلاحات مدرنیستی‌اش همراه شد، تمام رشته‌های وی را در قسمت پروژه اول وی نقش بر آب کرد. در واقع این خود شاهد و فاکتی است که می‌توان بر اساسش گفت تاریخ افغانستان مملو از نقش‌آفرینی هم‌زمان چالش‌ها و مشکلات اندرونی و بیرونی با و بر یک‌دیگر بوده است و آنچه باعث تداوم و فزاینده‌گی بحران و نابه‌سامانی در این سرزمین شده، هم‌افزایی مسائل و چالش‌های درونی و بیرونی با و بر یک‌دیگر بوده است. استقلال‌جویی قهرمانانه امان‌الله هرچند موجی از شور و افتخار را در میان جامعه حتی تا هنوز به دنبال داشته است، از آن‌جا که با کینه‌ورزی انگلیسی‌ها و نیز همراهی نیروهای داخلی حافظ وضع موجود و مشخص‌تر از همه مآلهای منفعت‌بربادرفته از ناحیه سکولاریزاسیون امان‌الله همراه شد، نه تنها اصلاحات وی را ناکام و ناتمام گذاشت، بلکه

